

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال دوم، شماره هفتم، بهار ۱۳۹۰

صفحات: ۱۰۹ - ۱۲۲

تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۸/۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۵

بررسی نقش زنان به عنوان مادران خانواده در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر نوجوانان

فاطمه مرعشیان*

چکیده

نهاد خانواده به عنوان یکی از مکانیسم‌های اساسی جامعه پذیری و انتقال ارزشها و نگرشهای جامعه به نسلهای جدید و جوان همواره مورد تاکید بوده است. از آنجایی که در متون اسلامی جایگاه همسری و مادری زن کانون توجه قرار گرفته در پژوهش حاضر به بررسی نقش زنان به عنوان مادران خانواده در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر نوجوانان پرداخته می‌شود. بر خورداری والدین از مهارت‌های لازم برای برخورد با مسائل می‌تواند موجب کاهش تنش‌های درون خانواده و روبرویی اصولی و منطقی با مسائل و مشکلات فرزندان بویژه نوجوانان شود. نوجوانان آسیب پذیرترین قشر در برابر رفتارهای پرخطرند و به واسطه ویژگیهای تحولی این دوره پیش از سایر گروه‌ها دست به رفتارهایی می‌زنند که سلامت حال یا آینده شان را در معرض خطر قرار می‌دهد. در پژوهش حاضر همانند سایر تحقیقات مشابه نشان داده شد که بی‌توجهی عاطفی والدین بویژه مادر باعث می‌شود که نوجوانان کوچکترین حرکت پدر و مادر را به عنوان بی‌مهری نسبت به خود تلقی کنند و به این ترتیب دچار احساس کمبود و عدم اطمینان به خود شده و روشهای منطقی را رها کنند و به تخیلات خود دلخوش کرده و به آنها متکی می‌شوند. این احساس ناامنی اضطراب آور منجر به ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر در آنان می‌شود.

کلید واژگان: زن، مادر، خانواده، رفتارهای پرخطر، نوجوان

* گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، ایران.

مقدمه

در طی سالها اندیشمندان بر اهمیت خانواده بعنوان نهادی که انجام کارکردهای اساسی را برای افراد و جوامع به عهده دارد، تاکید کرده اند (بولتز^۱، ۲۰۰۱). و داشتن یک جامعه سالم را منوط به دارا بودن خانواده های مستحکم دانسته اند (گیدنز^۲، ۱۳۸۲).

در متون اسلامی جایگاه همسری زن نیز کانون توجه قرار گرفته و به رفتارهای مورد انتظار از زن در ایفای نقش همسری گاه با عنوان کلی "حسن التبعل" (خوب شوهر داری کردن) و گاه با اشاره به رفتارهای ویژه توجه شده است (نقل از زیبایی نژاد، ۱۳۸۸).

قرآن کریم به برخی رفتارهای شایسته و مورد انتظار در جایگاه همسری اشاره ای کوتاه کرده است: ... و زنان صالح، زنانی هستند که متواضع اند و در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را در برابر حقوقی که خدا برای آنان قرار داده حفظ می کنند.

خودآرایی در برابر همسر، تعاون، همراهی و موافقت با شوهر در غیر محرمات، عدم خروج از منزل بدون همامنگی با همسر، عدم انفاق از اموال همسر بدون رضایت وی، خوش زبانی، صبر بر بدخلقی همسر، کم کردن هزینه های زندگی و حفظ حریم جنسی همسر از آن جمله است. گرچه برخی از این رفتارها بر زن در ایفای نقش همسری واجب شمرده نمی شود.

نقش مادری

در اینجا مادری فراتر از موقعیت بیولوژیک زنان در زایش و منظور از آن ارتباط خاص با فرزند از زمان انعقاد نطفه تا تولد و از آن زمان تا دوران بزرگسالی و بعد از آن است. در اینباره عناصر عاطفی، بهداشتی و تغذیه ای، حمایتی و مراقبتی لحاظ می گردد. آموزه های بسیاری را می توان ترغیب کننده به ایفای نقش مادرانه یافت:

مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند، و برای آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن پردازد؛ حتی اگر طلاق گرفته باشد).

هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست. نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر...

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: آن گاه که زن حمل بردارد به منزله روزه داری است که برای خداوند به پا خواسته و با جان و مال در راه خداوند جهاد می کند و آنگاه که وضع حمل کند چنان پاداش عظیمی برایش مقرر می گردد که هیچ کس حسابش را نمی داند و آنگاه که فرزند را شیر دهد به ازای هر مکیدن از ثوابی برابر آزاد کردن یکی از فرزندان اسماعیل (ع) برخوردار می گردد و آنگاه که از شیر دادن فارغ می شود فرشته ای بزرگوار بر پهلوی وی می زند و می گوید زندگی را از نو آغاز کن که آموخته شده ای.

۱. Bubolz

۲. Gidense

خانواده نهادی اجتماعی است که همانند آینه ای عناصر اصلی جامعه را در خود دارد و انعکاسی از نابسامانی های اجتماعی است، از طرف دیگر خانواده و بویژه زن در جایگاه مادر از مهمترین عوامل موثر بر جامعه است. هیچ جامعه ای نمی تواند به سلامت برسد مگر آنکه از خانواده های سالم برخوردار باشد (ساروخانی، ۱۳۸۲).

بر اساس اطلاعات موجود از جامعه ایران و نقش خانواده در آن فرد در خانواده پیوند نزدیکی با یکدیگر دارند و با وجود تفاوتی که با هم دارند از طریق خانواده با یکدیگر مرتبط می شوند (آزادارمکی، ۱۳۸۰). خانواده در ایران دارای ویژگی خاصی است که در اثر آن رابطه میان زن، مرد و فرزندان رابطه ای تلقی می شود که سایرین اجازه دخالت در آن را ندارند. محدوده خصوصی خانواده و روابط میان افراد تنها به محیط خانواده ختم نمی شود بلکه خصلت خصوصی بودن رفتار خانوادگی مهمتر از مکان رخ دادن آن است به طوری که حتی اگر رفتار خانوادگی در اماکن عمومی نیز صورت گیرد دیگران از دخالت مستقیم در آن خودداری می کنند (بولتون، ۱۳۸۰).

به دلیل ماهیت پیچیده و در حال تغییر جوامع انسان امروزی خود را به طور مداوم با مسائل متعددی روبه رو می بیند که باید با آنها انطباق یابد (دزوریل و گلدفرد، ۱۹۷۱). اعضای خانواده نیز هر یک به تناسب سن، جنس و مسئولیت خود با مسائل و مشکلاتی روبه رو هستند. برخی از مسائل و تعارضات اجتناب ناپذیرند و هر خانواده ای ممکن است با آن روبه رو شود (واچینیچ، ۱۹۹۹). وجود مسائل برای خانواده یک پدیده طبیعی می باشد اما آنچه از اهمیت بسزایی برخوردار است نوع برخورد اعضای خانواده بویژه پدر و مادر با مسائل است. چنانچه مسائل و نیازهای اعضای خانواده در داخل خانواده حل نشود اعضای خانواده که دارای مسئله ای هستند ممکن است نیازهای خود را خارج از خانواده بر آورده کنند.

این وضعیت ممکن است نتایج منفی در بر داشته باشد و اعضای خانواده برای حل مسائل خود به گروههای منحرف یا افراد بزهکار متوسل شوند (ایمان و افراسیابی، ۱۳۸۶). یافته های پژوهشی نشان داده که الگوهای کنش متقابل اعضای خانواده روابط معناداری با بزهکاری نوجوانان و جوانان دارد. بیشتر نوجوانان بزهکار در این نمونه مورد مطالعه با والدین خود تعارضات و اختلافات آشکار داشته اند و در حالی که با والدینشان به سختی ارتباط برقرار می کرده اند تعامل آنها با دوستانشان به سهولت انجام می گرفت (احمدی، ۱۳۸۴).

تعریف نوجوانی

نوجوانی^۴ مرحله انتقالی بین کودکی و بزرگسالی است. نوجوانان از بعضی جهات شبیه کودکان هستند با این حال تغییرات بسیاری که در این مرحله روی می دهد آنها را متقاعد می سازد که تفاوتی زیادی با کودکان دارند. به همین دلیل ما بعضی رفتارهای بزرگسالان را در نوجوانان می بینیم، اما در اغلب اوقات آنها مانند بزرگسالان رفتار نمی کنند. به تدریج که نوجوانان بالغ می شوند همانندی کمتری با کودکان و شباهت

۱. Bultton

۲. Dzurilla

۳. Goldfried

۴. Adolescence

بیشتری با بزرگسال از آنها مشاهده می شود (بیابانگرد، ۱۳۸۲).

روان شناسی نوجوانی^۱ عبارت است از مطالعه رشد و تحول جسمانی، شناختی، شخصیتی و اجتماعی در آدمی، از آغاز بلوغ تا هنگام پذیرش مسوولیت‌های بزرگسالان در جامعه. این تغییرات اغلب بین سنین ۱۳ تا ۲۲ سالگی روی می دهند (لیود^۲، ۱۹۸۵). با وجود این سن شناسنامه ای به تنهایی شاخص معتبری برای شروع یا پایان نوجوانی نیست.

از آنجا که مدت این دوره سالهای زیادی را در بر می گیرد اغلب به مراحل تقسیم می شود. اصطلاح اوایل نوجوانی برای گروه سنی ۱۲ تا ۱۴ سالگی است. اواسط نوجوانی برای گروه سنی ۱۴ تا ۱۷ سالگی است. اواخر نوجوانی نیز برای ۱۷ تا ۲۲ سالگی است. البته باید اشاره کرد که بین میزان رشد و سن شناسنامه ای لزوماً همزمانی کامل وجود ندارد.

در فرهنگ غربی نوجوانی با سالهای تین ایج^۳ یعنی سالهایی که انتهای کلمه آنها در انگلیسی به تین ختم می شود (۱۳ تا ۱۹ سالگی) یکسان تلقی شده است. اما اخیراً مشخص شده است که دامنه نوجوانی وسیعتر است. به بیان دیگر شروع نوجوانی ممکن است قبل از ۱۳ سالگی و پایان آن بعد از ۱۹ سالگی باشد.

نوجوانان آسیب پذیر ترین قشر در برابر رفتارهای پرخطرند و به واسطه ویژگیهای تحولی این دوره بیش از سایر گروه‌ها دست به رفتارهایی می زنند که سلامت حال یا آینده شان را در معرض خطر قرار می دهد (سلیمانی نیا، ۱۳۸۶). دوران نوجوانی هم از نظر خود نوجوانان و هم از نظر والدین از قدیم دشوارتر از سالهای کودکی قلمداد شده است. ۳۰۰ سال پیش از میلاد مسیح ارسطو چنینی اظهار داشت که نوجوانان پرشور و آتشی مزاج اند و آماده اند تا خود را به دست غرایز بسپارند. افلاطون نیز مصرف مشروبات الکلی در نوجوانان را به ریختن آتش روی آتش تشبیه کرده است که طوفان و تنش دوران نوجوانی را به طور تلویحی در بر دارد (ماسن و دیگران، ۱۳۸۰).

هال که به پدر روانشناسی بلوغ معروف است نوجوانی را توأم با رنج، عشق و شورش علیه ارزش های بزرگسالان می داند. برجسته ترین مفهوم نظریه وی، "طوفان و فشار" است. به اعتقاد او افراد در دوران نوجوانی دستخوش دگرگونی های چشمگیری می شوند که غالباً نوسان های پرشور عاطفی به دنبال دارد (آدامز^۵، ۱۹۹۹).

وجود تغییرات در دوره نوجوانی مستلزم سازش یافتگی های جدیدی است که در آن فرد با تزلزل و ناامنی های بسیاری روبه رومی گردد. این تحولات در روابط نوجوان با همسالانش اثر می گذارد، به علاوه انتظاراتی را که نوجوان از خود دارد تغییر می دهد و روابط خانوادگی او را دگرگون می سازد که معمولاً افت اعتماد به نفس و اهمیت دادن به تایید و پذیرش از سوی همسالان در نتیجه تغییرات تجربه شده در

۱. Psychologist

۲. Puberty

۳. Liody

۴. Teenage

۵. Adams

نوجوان شکل می گیرد (برگمن و اسکات، ۲۰۰۱).

نتایج مطالعات بین المللی حاکی از آن است که بین ۳۵ تا ۴۰ درصد نوجوانان احساس غمگینی و بی ارزشی را تجربه می کنند (اوزر و همکاران، ۲۰۰۳). در واقع همه تغییرات رشدی که نوجوانان تجربه می کنند در جهت آماده سازی آنان برای رویارویی با رفتارها و تکالیف جدید است و روند آموزش رفتارهای جدید معمولاً با خطرپذیری همراه است که بخش بهنجاری از رشد نوجوان را تشکیل می دهد (بروک و گان، ۲۰۰۰).

در بررسی رفتارهای خطرپذیری نوجوانان نیز دیدگاهها و مدل های زیادی وجود آمده است. برخی نظریه ها در تبیین اینگونه رفتارها، بر جنبه هایی از خود (شخص) تمرکز کرده اند و برخی دیگر جنبه هایی از (محیط) را مورد تاکید قرار داده اند. تئوریهای دیگری نیز وجود دارند که ترکیب جنبه هایی از شخص و محیط را در رفتارهای پرخطر نوجوانان دخیل می دانند. عوامل شناختی (مثل ادراک خطر)، عوامل زیستی (مثل تاثیرات هورمونی)، عوامل شخصیتی (مثل گرایش های هیجان خواهی) و عوامل تاثیرات محیطی (مثل والدین و گروه همسال) همه از مواردی اند که به منظور درک چگونگی و پیشگیری از رفتارهای پرخطر در نوجوانان و عواقب منفی آنها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته اند (جسور، ۱۹۹۲؛ اروین، ۱۹۹۳؛ کالیچمن، ۲۰۰۰). در مطالعه ای طولی نشان داده شد که ساختار خانوادگی و مشکلات عاطفی بهترین پیش بینی کننده های رفتار پرخطر در نوجوانان است (پنگ و نیکولز، ۲۰۰۳).

دویل و همکاران (۲۰۰۳)، در پژوهشی به بررسی نقش روابط خانوادگی نوجوانان به عنوان متغیرهای واسطه در همبستگی منفی بین روابط عاشقانه زود هنگام و طولانی مدت نوجوانان با سازگاری پرداختند. در این مطالعه که بر روی ۲۴۴ نوجوان ۱۳ و ۱۴ ساله انجام شد، روابط خانوادگی و همسالان (چون دلبستگی ایمن به پدر و مادر، ناسازگاری زناشویی، سبک زندگی زناشویی والدین و دوست گزینی نوجوانان) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از همبستگی منفی بین روابط عاشقانه زود هنگام مستمر و سازگاری با میانجیگری متغیرهای خانوادگی و جنسیت بود. برای دختران در خانواده هایی با ناسازگاری زناشویی بالا، روابط عاشقانه زود هنگام و طولانی با اعتماد به نفس پایین و در خانواده های اقتدارگرا با نشانه های افسردگی همراه بود. دخترانی که دارای دلبستگی ایمن با مادرشان بودند و روابط عاشقانه زود هنگام نداشتند نمره های بالاتری در مدرسه داشتند. نتایج این مطالعه حاکی از آن بود که موفقیت خانواده و رابطه مادر-فرزندی در ارتباطات اولیه با نوجوانان آنان را در فائق آمدن بر چالش های گسترده بعدی در جامعه تواناتر می کند. بزهکاری یکی از عواملی است که همواره مدنظر پژوهشگران بوده و از جنبه های مختلف آن را مطالعه

۱. Bergman & Scott

۲. Ozer et all

۳. Brook & Gunn

۴. Jessor

۵. Irwin

۶. Kalichman

۷. Peng & Nichols

۸. Doyle et all

کرده‌اند و از آن جایی که پیشرفت و ترقی هر کشور و جامعه‌ای بستگی به نیروهای سازنده و سالم آن دارد و کودکان باهوش و کارآمد سرمایه‌های اصلی هر کشوری هستند که باید آنها را از گزند و آسیب، حفظ و نگهداری نمود. لذا بزهکاران از جمله عوامل آسیب‌زا به نوجوانان و جوانان است پس لازم است در مرحله اول از عوامل ایجادکننده بزهکاری جلوگیری نمایند و اگر هم این مسئله برای جوانانی بوجود بیاید آن را شناسایی کرده و به زندان یا کانون اصلاح و تربیت ببرند و در آنجا آموزش‌های لازم را ببینند و امکانات مناسب برای رشد و شکوفایی استعداد هایشان در اختیارشان قرار بگیرد.

عوامل مهم در اجتماعی شدن نوجوانان

والدین:

از میان عواملی که بر اجتماعی شدن تأثیر می‌گذارد والدین مهمترین عامل هستند. از آنجا که افراد بیشترین دوران زندگی خود را قبل از بلوغ در درون خانواده می‌گذرانند در فرایند جامعه‌پذیری خود تا حد زیادی از ارزشها و نگرشها و ساختارهای اقتصادی و فرهنگی حاکم بر خانواده تأثیر می‌پذیرند (موحد و همکاران، ۱۳۸۶).

از جمله کارکردهای خانواده کارکرد اجتماعی است در خصوص عملکرد اجتماعی، خانواده از طریق پایه‌گذاری الگوهای تربیتی و رفتاری، اجرای نقش‌های اجتماعی، شیوه اجتماعی کردن، همنوایی، هنجارهای اجتماعی، این فرایند را شکل می‌دهد اگر خانواده نتواند هنجارهای اجتماعی را به نوجوان منتقل کند رفتار آنان ضد هنجارهای جامعه و ضد اجتماع شکل خواهد گرفت (صالحی ۱۳۸۱).

رشد عواطف نیز در خانواده شکل می‌گیرد. والدین بویژه مادران از عوامل مهمی هستند که می‌توانند به نوجوانان کمک کنند تا تصویری مثبت از خود داشته باشند. چگونگی محیط اجتماعی در نوع عواطف کودک موثر است. کودکی که در محیط ناآرام زندگی می‌کند رشد عاطفی مناسبی نخواهد داشت. ساختار خانواده نیز از عوامل موثر در رشد عاطفی کودک است در صورت سالم بودن محیط رشد بهتری داشته زودتر به رشد می‌رسد (جولیاتی وود ۱۹۹۸، ترجمه فیروزبخت ۱۳۷۹).

از طرف دیگر جامعه در حال پیشرفت و گذر به مرحله نوین قرار دارد. بسیاری خانواده‌ها به اصول خانوادگی دیرین خود پایبند نیستند و پذیرش برخی اصول جدید نیز برای آنان راحت نیست و نوعی دوگانگی در پذیرش اصول مدیریت خانواده ایجاد شده است. عدم تفاهم در مورد مسائل اساسی خانواده، مسائل تربیتی، نحوه تربیت فرزندان، اختلاف در مورد عادات، رفتارها و ابعاد شخصیت یکدیگر، و هر آنچه که در درون یا برون خانواده می‌گذرد آثار خود را در چگونگی رشد نوجوانان بویژه پسران بر جای می‌گذارد (انیسی، ۱۳۸۶).

مسئله مهم دیگر ساختار قدرت در خانواده است. تغییر ساختار قدرت در قالب قدرت مطلق پدر - مادر و یا تقارن نسبی آنان قرار دارد که در یک طرف استبداد و در طرف دیگر دموکراسی است. خانواده نقش مهمی در ایجاد زمینه مشارکت همه اعضا در ساختار قدرت دارد و این از ابزارهای جامعه‌پذیری و پیشگیری از نگرش ضداجتماعی است (ساروخانی، ۱۳۸۵).

نقش مادران در بزهکاری نوجوانان

زنان در جایگاه مادران خانواده نقش مهمی در سلامت روانی نوجوانان به عهده دارند. رعایت موازین اخلاقی و تربیتی در روابط فیمابین والدین، به ویژه در رابطه با زناشویی به عنوان عامل زیربنایی قابل توجه است و در مرحله ی بعدی کیفیت روابط والدین بویژه مادران با فرزندان خود، حائز اهمیت است. مادران به لحاظ عشق و علاقه، اظهار محبت و نوازش، وظایف حساس و تعیین کننده ای در تربیت فرزندان بر عهده دارند. با تشکیل خانواده زن و مرد هر دو به آرامش روانی دست می یابند؛ اما به نظر می رسد طبیعت در حیات خانوادگی، زن و مرد را در موقعیت یکسانی قرار نداده است. لطافت چهره زن، تمایل وی به خودارایی و خودنمایی و ویژگی عاطفی و مراقبتگرانه او ابزارهایی هستند که جایگاه زن را در پیوند زناشویی ممتاز می سازند. از این روی در روابط زن و شوهری و والد-فرزندی زن بیش از آنکه دریافت کننده آرامش باشد آرامش بخش است.

بزهکاری عبارت از اقدام به عملی است که برخلاف موازین، مقررات، معیارهای ارزشی و فرهنگی هر جامعه باشد و کسانی که مرتکب چنین اعمال خلاف می گردند مجرم یا بزهکار نامیده می شوند (احمدی، ۱۳۷۷).

هر تحقیق عمده ای در زمینه بزهکاری رابطه نزدیکی بین بی ثباتی در شرایط محیط زندگی، خانواده و اجتماع کودک با بزهکاری را نشان داده است. روان شناسان و روان کاوان اهمیت زیادی به روابط مادر و فرزند داده اند که این فرضیه مقبولیت عام یافته است (شاملو، ۱۳۷۷).

در برخی موارد فرزندان در اثر فشار خانواده به خرده فرهنگ های کژرفتار وارد می شوند. مادران نوجوانان بزهکار در مقایسه با مادران نوجوانان غیر بزهکار عمدتاً در برخورد با رفتارهای فرزندان خود از مهارت کافی برخوردار نیستند. حتی در برخی موارد نوع برخورد والدین در گرایش فرزندان به رفتار بزهکارانه نقش موثری دارد (احمدی، ۱۳۸۴).

آلستروم^۱ و همکاران (۲۰۰۰)، در تحقیقی که انجام دادند به این نتیجه رسیدند که روشهای منضبط کردن کودکانی که در آینده بزهکار و دچار اضطراب، افسردگی و سایر اختلالات روانی شده اند، غیر معقول و یا بسیار سخت گیرانه و معمولاً با تنبیه بدنی همراه بوده و از مهر و محبت مادری محروم بوده اند و کمتر کسی در مورد رفتار نادرست کودک با او گفتگویی کرده است.

کوراکیومد^۲ (۲۰۰۲) در در تحقیق دیگری در مقایسه بین پانصد جفت پسر بزهکار با غیر بزهکار به این نتیجه رسید که ۶۰٪ از بزهکاران در مقابل ۳۴٪ از غیر بزهکاران از خانواده هایی هستند که از یکدیگر جدا شده و یا یکی از اعضا فوت شده و یا غیبت طولانی داشته اند. این افراد بیش از همسالان خود دچار افسردگی می شدند. در این تحقیق نشان داده شد که وجود نامادری از جمله دلایل اصلی در گرایش فرزندان به بزهکاری بوده است.

۱. Alestrom

۲. Koorakimod

کراگیر^۱ (۲۰۰۲) معتقد است که خانواده‌های محروم از پدر، مادر یا هر دو زمینه‌ساز مشکلات روانی نوجوانان در آینده هستند.

تحقیق دیگر توسط مارتین^۲ (۲۰۰۱)، نقل از تابان و همکاران، (۱۳۸۷) انجام شده نشان می‌دهد که طرد بیش از حد فرزندان توسط مادران منجر به دامن زدن مشکل آنان و گرایش به بزهکاری و پرخاشگری می‌شود. بلر و جونز^۳ (۱۹۹۹) در یک تحقیق به این نتیجه رسیدند که بزهکاری یک رفتار آموخته است. فرد بزهکار از مهر و محبت مادر در دوران کودکی محروم بوده و جای امنی در این جهان ندارد. مطالعات نشان داده‌اند که اغلب رفتارهای پرخطر از جمله مصرف سیگار، الکل، مواد و رفتارهای جنسی نایمن در سنین قبل از ۱۸ سالگی آغاز می‌شوند (برگمن و اسکات، ۲۰۰۱).

برخورداری مادران از مهارت‌های لازم برای برخورد با مسائل و آشنایی اعضای خانواده با مهارت حل مسئله می‌تواند موجب کاهش تنش‌های درون خانواده و روبه رویی اصولی و منطقی با مسائل و مشکلات اعضای خانواده شود. بر اساس تحقیقات صورت گرفته در مورد حل مسئله در خانواده‌ها شیوه‌های متفاوتی در مورد حل مسئله دارند. برخی شیوه‌ها در این میان از اثر بخشی بالایی برخوردار است به این معنا که خانواده را به حل مسئله نزدیک می‌کند و برخی از شیوه‌ها نیز نه تنها کمکی به حل مسئله نمی‌کند بلکه ممکن است به وخامت بیشتر اوضاع بینجامد.

در این اواخر به موضوع خانواده و کارآمدی آن و بویژه رابطه مادر - فرزندی بطور روزافزونی توجه می‌شود (کوبلینسکی و اندرسون^۴، ۲۰۰۳). هیچ نهادی چه از بعد قدرت و چه از بعد تأثیر گذاری نمی‌تواند با خانواده برابری کند. خانواده می‌تواند بین افراد پیوندهای ناگسستنی ایجاد کند. دلبستگی به پدر و مادر و همشیرها غالباً بصورت مادام‌العمر است و این روابط به عنوان الگو برای روابط در دنیای بزرگتری چون محله، مدرسه و اجتماع عمل می‌کنند (پارک و بوریل^۵، ۱۹۹۸). خانواده تشکلی طبیعی است که الگوهای گوناگون مراد را در گذر زمان به خدمت می‌گیرد. این الگوها ساخت خانواده را شکل می‌دهند و ضمن تعیین نقش اعضای خانواده حیطة رفتار هر یک از اعضاء را مشخص نموده و تبادل نظر میان آنها را تسهیل می‌کنند (مینوچین و فیشرمن، ۱۹۹۶؛ ترجمه بهاری و سیا، ۱۳۸۱).

بنابراین می‌توان گفت که چرخه حیات خانواده به عنوان مرحله پیوسته‌ای شناخته شده است که هر مرحله مجموعه‌ای از وظایف اعضای خانواده را که بایستی برای ورود به مرحله بعدی رشد آن وظایف را بطور کامل انجام دهند، دربر می‌گیرد. شکست در انجام وظایف منجر به ایجاد مشکلات سازگاری می‌شود. بنابراین توجه به خانواده و تلاش در جهت رفع مشکلات و معضلات این سازمان بنیادی می‌تواند نویدبخش جامعه‌ای ارزشمند و متعالی باشد (کارلسون، اسپری و لويس، ۱۳۸۴).

۱. Keragire

۲. martin

۳. Beler and Jonse

۴. Koblinsky & Anderson

۵. Park & Buriel

کول و مک فرسون^۱ (۲۰۰۲) در پژوهشی نشان دادند که بین کشمکشها و تعارضات زناشویی با افسردگی و رفتارهای بزهکارانه نوجوانان رابطه وجود دارد.

گلچین و همکاران (۱۳۸۰) و دیباج نیا (۱۳۸۳) در مطالعات خود بین کار آیی خانواده و خودپنداره نوجوانان دختر و پسر رابطه معناداری بدست آوردند. بدین معنا که هر چه عملکرد خانواده مطلوبتر باشد افراد خودپنداره مثبت تری خواهند داشت.

نتایج پژوهش ها حاکی از آنند که اختلالهای افسردگی در دوران کودکی نسبت به بزرگسالی از فراوانی کمتری برخوردارند اما در نوجوانی شاهد افزایش این فراوانی هستیم (دادستان، ۱۳۸۲).

نشاط دوست (۱۳۸۱) سابقه بیماری مزمن، سابقه آسیب روانی در خانواده و سابقه تجربه وقایع ناگوار را از جمله عوامل مرتبط با افسردگی در نوجوانان ایرانی دانسته است.

پژوهش ها نشان می دهند وجود بیماری مزمن میزان شیوع افسردگی را در همه سنین بویژه نوجوانی افزایش می دهد، همچنین بین شرایط بدنی و افسردگی و طرد توسط مادر رابطه تنگاتنگی وجود دارد (پیراگلیا، رز و همکاران، ۲۰۰۴؛ راست و همکاران، ۲۰۰۵).

انواع مطالعات انجام شده توسط محققین وقوع افسردگی و طرد توسط والدین را در نوجوانان بیمار بیش از نوجوانان سالم بر آورد کرده اند و معتقدند که رابطه افسردگی و بیماری و طرد در نوجوانان از نیرومندی بیشتری نسبت به بقیه افراد گروههای سنی دیگر که دچار بیماری می شوند برخوردار است (چاپمن، پری، استرین، ۲۰۰۸؛ اورسون-رز، لوئیس، ۲۰۰۶؛ گولدن و همکاران، ۲۰۰۵؛ کیتون، ۲۰۰۳؛ هاراسیلتا و همکاران، ۲۰۰۴).

راسبرگ و کیدر^۲ (۱۹۹۲) در مطالعه خود پی بردند بین پایین بودن عزت نفس نوجوانان دختر با نوع رابطه با مادر یعنی ترس از صمیمیت و غلبه بر شرم رابطه وجود دارد. هالتر و هارپر^۳ (۱۹۸۷) گزارش نمودند که بین کیفیت روابط والدین و عزت نفس نوجوانان رابطه وجود دارد. به این صورت که فنون حمایت گری و تشویقی والدین منجر به افزایش عزت نفس و دیکتاتور مآب بودن منجر به کاهش عزت نفس و بروز رفتارهای پرخطر در نوجوانان می گردد.

آشوری (۱۳۷۶) نیز در پژوهشی نشان داد که رفتار والدین بر روی عزت نفس نوجوانان موثر است یعنی فرزندان والدین دموکرات عزت نفس بالاتری داشتند.

حقیقی، شکرکن و موسوی شوشتری (۱۳۸۱) در پژوهشی نشان دادند که طرد شدن توسط والدین و محرومیت از عاطفه مادری با افزایش اضطراب، پرخاشگری، رفتارهای پرخطر و کاهش عزت نفس رابطه دارد.

احمدی (۱۳۸۳) در پژوهش خود نشان داد که بین جو عاطفی خانواده و بحران هویت رابطه معناداری وجود دارد که این نتایج نشان دهنده اهمیت نقش خانواده در هویت یابی نوجوانان و جوانان می تواند باشد.

۱. Col & Mc. Pherson

۲. Rothberg & Kidder

۳. Hoelter & Harper

معتمدی و پور نصیری (۱۳۸۳) در بررسی خود به این نتیجه رسیدند که دانش آموزان دارای روابط گرم و صمیمانه با والدین بویژه مادر خود از عزت نفس بالاتری برخوردارند. در تحقیقی مشخص شده است نوجوانانی که احساس می کنند به والدینشان دلبسته هستند اما در عین حال آزادند تا عقایدشان را بیان کنند هویت کسب کرده یا در حالت وقفه هستند. نوجوانانی که از هویت ضبط شده برخوردارند معمولاً روابط صمیمی با والدین دارند اما از فرصت جدا شدن سالم بی بهره اند. و نوجوانانی که دچار پراکندگی هویت هستند از کمترین رابطه صمیمانه و ارتباط آزاد در خانواده خبر می دهند (هالتر و هارپر، ۱۹۸۷).

بحث و نتیجه گیری

مهمترین ویژگی روح زن که می توان گفت تمامی ویژگی های فرعی او برخاسته از آن است، شدت و قوت عنصر عاطفه و احساس در وجود او است. این ویژگی در شناخت روح زن به اندازه ای اهمیت دارد که بدون درک و شناخت آن نمی توان به شناخت روحیات و خصوصیات زن و شخصیت او دست یافت. زن به دلیل بر عهده داشتن وظیفه خطیر مادری که دستگاه آفرینش آن را برای او قرار داده است، از عاطفه و محبتی سرشار برخوردار است. این موقعیت سبب شده است که انگیزه دیگرخواهی در او قوت بیشتری داشته باشد. این سرمایه فطری در زن موهبت گرانبهایی است که می تواند هم در رشد و کمال خود او و هم در تعالی جامعه بشری نقش بسیار موثری ایفا کند.

با قاطعیت می توان گفت که در هیچ مقطع تاریخی، ارزشها و نگرشهای افراد و گروههای اجتماعی در درون جوامع به سرعتی که امروزه در حال تغییر است دچار دگرگونی نبوده است. بسیاری از جامعه شناسان از چنین وضعیتی با عنوان گذار یا تعارض ارزشی یاد کرده اند (اینگلهارت، ۱۳۸۳).

در این میان نوجوانان و جوانان به دلیل ویژگی های شخصیتی و منحصر به فرد خود و اینکه بیشتر در معرض فرایندهای تغییر قرار می گیرند زودتر از اقشار دیگر دچار تغییر می شوند و ارزشها و نگرشهای جدید را می پذیرند. از این رو نوجوانان به عنوان یکی از عوامل تغییر فرهنگی و اجتماعی محسوب می شوند. در حالیکه ارزشها و نگرشهای سنتی در میان بزرگسالان و نسلهای پیشین رواج دارد، نسلهای جدیدتر ارزشهای متفاوتی دارند و با جانشین شدن نسلهای جوانتر به جای افراد از نسلهای گذشته جهان بینی متداول در جوامع نیز دگرگون می شود.

از اینرو خانواده ها و والدین به عنوان یک عامل کلیدی در جهت دهی و نظارت بر چنین تغییراتی در نوجوانان نقش بسیار مهمی دارند. که در این راستا نقش مادر از جایگاه ویژه ای برخوردار است. والدین بخصوص مادران با برقرار کردن ارتباطات نزدیک، موثر و دوستانه با نوجوانان می توانند مانع گسست فرد از خانواده و ارزشها و نگرشهای اساسی آن شوند و از طرف دیگر با برطرف کردن بخشی از نیازهای عاطفی آنها در بطن چنین روابطی می توانند از گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر جلوگیری کنند. وجود و حضور مادر در واقع در حکم چراغ فروزانی است که نور عاطفه را در فضای خانه می پراکند و

محیط خانواده را از نظر ارزشهای عاطفی غنای بیشتری می بخشد.

نهاد خانواده از طریق فرایند جامعه پذیری، ارزشها و هنجارهای مورد تایید و شایع جامعه را به فرزندان انتقال می دهد و نقش پیوند دهنده نسلها را بازی می کند که در سطح کلان به باز تولید و تداوم جامعه کمک می کند. بنابراین، مشعل دار عاطفه انسانی در محفل خانواده و در جامعه بزرگ بشری، وجود پاک زن و دلهای بی آرایش مادران است و نقش رهبری آنها از جهت پاسداری از ارزشهای انسانی بسیار مهم و خطیر می باشد. لذا بررسی و درک نقش خانواده بویژه نقش زنان به عنوان مادران خانواده در شکل گیری و تداوم نگرشها و ارزشهای نوجوانان بسیار مهم و حیاتی است.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۰). شکاف بین نسلی در ایران، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۴.
- آشوری، الهه (۱۳۷۶). بررسی ارتباط عزت نفس و ویژگیهای فردی، خانوادگی در دانش آموزان دبیرستانهای دخترانه شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد. اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۴). جامعه شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.
- احمدی، صدیقه (۱۳۸۳). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده و بحران هویت در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- احمدی، علی اصغر (۱۳۷۷). روانشناسی عمومی، انتشارات قدس قم، چاپ سوم.
- انیسی، جعفر و همکاران (۱۳۸۶). بررسی مشکلات رفتاری نوجوانان. مجله علوم رفتاری ۲. صص ۱۷۰-۱۶۳.
- ایمان، محمد تقی و افراسیابی، حسین (۱۳۸۶). ارزیابی الگوی اثربخش مسئله یابی و حل مسئله جوانان توسط والدین، فصلنامه مطالعات جوانان، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان، شماره ۸ و ۹.
- اینکلهارت، رونالد (۱۳۸۳). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- بولتون، رابرت (۱۳۸۰). مهارت های ارتباطی، ترجمه منصور شاه ولی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۲). روان شناسی نوجوانان، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم.
- تابان، مولود، جامعی، ناهید، ربیعی اصل، زهره و عامری، نادیا (۱۳۸۷). مقایسه ی سلامت روان افراد بز هکار با سلامت روان افراد عادی اهواز. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- جولیاتی وود (۱۳۷۹). ارتباطات میان فردی. (مهرداد فیروز بخت، مترجم). تهران: انتشارات مهتاب.
- حقیقی، جمال؛ شکرکن، حسین و موسوی شوشتری، مژگان (۱۳۸۱). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری دانش آموزان دختر پایه سوم مدارس راهنمایی اهواز. فصلنامه علوم تربیتی و روان شناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۱، دوره سوم، سال نهم، شماره های ۱ و ۲.
- دادستان، پریرخ (۱۳۸۲). روان شناسی مرزی تحولی. تهران: سمت، ۲۶۹-۲۷۵.
- دیباچ نیا، پروین (۱۳۸۳). بررسی رابطه کارآیی خانواده و خودپنداره در دانشجویان دانشکده توانبخشی

- دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی طی سال ۱۳۸۱. مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. سال ۹، شماره ۴۰.
- زیبایی نژاد، محمد رضا (۱۳۸۸). تفاوت‌ها، هویت و نقش‌های جنسیتی، چاپ اول، انتشارات مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، تهران.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). ساختار قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی. پژوهش زنان، قابل دسترس در <http://www.sid.ir/fa/index.asp>.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش، تهران.
- سلیمانی نیا، لیلیا (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسیتی نوجوانان در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر، فصلنامه مطالعات جوانان، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان، شماره ۸ و ۹.
- شاملو، سعید (۱۳۷۷) مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت - تهران انتشارات رشد
- صالحی، حسین (۱۳۸۱). بررسی و مقایسه رشد اجتماعی کودکان خانواده‌های با یا بدون طلاق. پایان نامه کارشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام.
- کارلسون، جان؛ اسپری، لن و لوپس، جودیت. خانواده درمانی: تضمین درمان کارآمد. ترجمه شکوه نوابی نژاد (۱۳۸۴). تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- گلچین، مه‌ری؛ نصیری، محمود؛ نجمی، بدرالدین و بشر دوست، نصراله (۱۳۸۰). ارتباط عملکرد خانواده با برخی ویژگی‌های روانی نوجوانان دختر و پسر. فصلنامه پژوهش در علوم پزشکی. سال ششم، شماره ۴، ۲۹۷-۲۹۹.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). جهانی شدن و چشم انداز خانواده، محمدرضا جلایی پور، ماهنامه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آفتاب، سال سوم، شماره ۲۹.
- ماسن، هنری پاول؛ کیگان، جروم (۱۳۸۰). رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: انتشارات کتاب ماه.
- معمدی، عبدالله و پور نصیری، زهرا (۱۳۸۳). رابطه انواع جوهای عاطفی خانواده با عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، ۲۸-۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۳.
- موحد، مجید؛ مقدس، علی اصغر و عباسی شوازی، محمد تقی (۱۳۸۶). جوانان، خانواده و جامعه پذیری، فصلنامه مطالعات جوانان، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان، شماره ۸ و ۹.
- مینوچین، سالوادور و فیشمن، اچ. چارلز (۱۹۹۶). فنون خانواده درمانی، ترجمه فرشاد بهاری و فرح سیا. (۱۳۸۱). تهران: رشد.
- نشاط دوست، ح. (۱۳۸۱). افسردگی نوجوانان و عوامل مرتبط فردی و خانوادگی. مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۱۴ (۲)، ۱۵۷-۱۸۰.

Adams, P. F.: Schoenborn, C. A.: Moss, a. J.: Warren, C. W.: and Kann, I. (1999). Vital Health Statistics: Health – Risk Behaviors Among Our nations Youth. United States: Us Department of health and human services.

- Alestrom and et al (2000) Relationship between Parents strict discipline models and depression in delinquent and non-delinquent, *Journal of Abnormal Psychology*, Vol 25, 505-528.
- Belser and Janson (1999), Relationship moral development and students identity finding, *Journal of Adolescent Health*, Vol 18, 45-63.
- Bergman, M. M , & Scott, J.(2001). Young Adolescents , Well –Being and health – risk Behaviors: Gender and Socioeconomic Differences. *Journal of Adolescence*, 24.
- Brook & Gunn, Levanthal T (2000). The Neighborhoods they live in: the Effects of Neighborhoods Residence on child and adolescent outcomes, *psychological bulletin*.126,(2).
- Bubolz, Margaret.(2001). Family as User and Builder of Social Capital, *Journal of Socio-Economics*, Vol. 31, pp.129-131.
- Chapman, D., P., Perry , G.S., Strine, T.W.(2008). The vital link between chronic disease and depressive disorders. *Prevention of chronic disorders*,2(1), 480-486.
- Col, D. A. & Mc. Pherson, A.E.(2002). Relation of family subsystems to adolescent depression: Implementing a new family assessment strategy. *Family psychology*, 7, 119-133.
- Doyle , Anna Beth , Mara Brendgen, Dorothy Markiewicz and katy kamkar (2003). Family relationships as moderators of the association between romantic relationships and adjustment in early adolescence. *Journal of early adolescence*, vol .23 no . 3.
- Dzurilla , Thomas . and Marvin Goldfried, (1971). Problem solving and behavior modification, *Journal of Abnormal psychology*. Vol. 78, pp. 107-126.
- Everson – Rose, S. A., & Lewis, T.T.(2006). Psychosocial factors and cardiovascular diseases. *American Journal of public Health*, 26, 469-500.
- Goldney, R.D., Ruffin, R.,Fisher, L.J., Wilson, D.H.(2003). Asthma symptoms associated with depression and lower quality of life: A population survey.
- Haarasilta, L.M.Marttunen, M. J.,Kaprio, J. A., & Aro , H.M.(2004). Correlates of depression in a representative nationwide sample of adolescents and young adults. *European Journal of public Health*, 14, 280-285.
- Hoelter, J. & Harper, L.(1987). Structural and interpersonal family influences on adolescent self-conception. *Journal of marriage and the family*, 9, 129-139.
- Irwin, C .(1993).Adolescence and Risk taking : how are they related? In Bell ,N . J . & bell , r. w.(eds)adolescent risk taking. Newbury Park . , CA: Sage Publications.
- Jessor , r .(1992). Risk behavior in adolescence : a psychosocial framework for understanding and action. *Developmental review* , 12.
- Kalichman ,S. C . (2000). Hiv Transmission Risk Behaviors of men and women living with Hiv-Aids: Prevalence, Predictors and Emerging Clinical Interventions. *Clinical psychology : science & practice*. 7.
- Katon, W. J. (2003). Clinical and health services relationships between major depression, depressive symptoms and general medical illness. *Biological psychiatry*,54, 216-226.
- Keragire(2002), Depression, suicide ideation, & aggression among high school students whose parents are divorced , & use alcohol at home, *Psychological Reports* Vol 70, 505-511.
- Koblinsky, S & Anderson, E. (2003). Co- principal investigator on a four- year. Study of homeless families in head start and three state of meryland fathering grants.
- Koorakimod(2002), A Comparison of Anxiety and depression among students with Stepfathers, Stepmothers and Those with Natural Parents, *Journal of Psychology* Vol 34,78-94.
- Lloyd, M. A. (1985). Adolescence. Harper Row Publishers. *Medical Journal of Australia*, 178, 437- 441.

- Ozer em , Park mj, paul T, Brindis Cd, Irwin ce.(2003). Americas Adolescents: Are they Healthy? San Francisco, ca: University of California.
- Park , R.D. & Buriel, R.(1998). Socialization in the family: Ethnic and ecological Perspectives. Hand book of child psychology, 3, 463-552.
- Peng , C . J . ,Nichols , R . N. (2003). Using Multinomial Logistic Models to Predict Adolescent Behavioral Risk. Journal of modern applied Statistical Methods. Jmasm , Inc.
- Pirraglia, P. A., Rose, A. B., Hermann, R. C., OLchanski, N. V. , & Neumann, P.(2004). Cost utility studies of depression management: A systematic review. American Journal of psychiatry, 161, 2155-2162.
- Rost, K., Pyne, J. M., Dickinson , L. M., & Losasso, A. T.(2005). Cost effectiveness of enhancing primary care depression management on an ongoing basis. American family medicine, 3, 7-14.
- Rothberg, B. & Kidder, D.(1992). Double Trouble: Lesbians emerging from alcoholic families. Journal of chemical Dependency Treatment, 5(1), 77-92.
- Vuchinich, Samuel.(1999). Problem Solving in Families. California: Sage Publication.

Archive of SID